

تنقیح الأبحاث للملل الثلاث، تصحيح مجدد یا سرقت؟*

محمد علی کاتب

است، به صورت تایپ دستی و یک رو حروف چینی و با جلد مقوایی صحافی شده است و شبیه به رساله‌هایی است که دانشجویان برای اخذ درجهٔ دانشگاهی ارائه می‌دهند (این نسخه توسط یکی از دوستان از یکی از کتاب‌فروشان اطراف میدان انقلاب تهران در خردادماه سال ۱۳۸۱ برایم خریداری شده است).

ظاهراً تقدیر بر آن شده است هر آنچه که به قلم این کاتب برای گزارش میراث نوشته می‌شود، گزارش یکی از آفت‌ها و بدبختی‌هایی باشد که گریبان جامعهٔ علمی این مملکت را سخت چسبیده است و ظاهراً به این زودی‌ها قصد رها کردن آن را ندارد. از قضا این نوشته‌ها مرتبط است با مبحثی که توسط سردبیر محترم مجلهٔ دربارهٔ آسیب‌شناسی چاپ و تصحیح متون مطرح شده است.

حکایت، حکایت سرقت‌های باصطلاح «ادبی» است که گاه و بی‌گاه اتفاق می‌افتد. سارقانی که با ظاهری آراسته به فضل و کمال، جامعهٔ علمی را نادان فرض کرده، بی‌هیچ دغدغهٔ خاطر و نگرانی از عواقب کار، حقوق مادی و معنوی دانشمندان را زیر پای می‌نهند.

در یکی دو هفتهٔ اخیر کتابی از ابن کمون، فیلسوف معروف، با این مشخصات به چاپ رسیده است:

تنقیح الأبحاث للملل الثلاث، لابن کمون (عزالدولة سعيد بن منصور البغدادي، المتوفى بالحلة، ۶۸۳ هـ ق / ۱۲۸۴ م) حقه و قدم له و علق عليه: محمد کریمی زنجانی اصل، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۳ هـ ش [انتشار ۱۳۸۵ هـ ش]، سی و دو + ۲۸۲ + ۱۲ ص، ۳۰۰ نسخه، شابک ۳۸-۳۸-۷۸۷۴-۹۶۴.

پیش از این، ویرایشی از کتاب التنقیح به اهتمام دکتر علی نقی منزوی و با مشخصات ذیل به انجام رسیده است:

ابن کمون و فلسفته فی النبوة، تألیف علی نقی منزوی، الطالب بالجامعة الیسوعیة، القسم الاول: المدخل و النص الكامل لتنقیح الأبحاث، القسم الثاني: التعليقات علی «تنقیح الأبحاث للملل الثلاث»، بیروت: ۱۹۷۲ م، ج ۲، ۵۰۰ ص. نسخه‌ای از ویرایش دکتر منزوی که در تملک این جانب



آن طور که از عبارت روی جلد برمی‌آید، این اثر مربوط به دوران دانشجویی دکتر منزوی در دانشگاه سن ژوزف بیروت است و از نوع حروف به کاررفته و کاغذ به نظر می‌رسد این رساله با دستگامی همچون استنسیل در شمارگان بسیار محدود تکثیر شده است. بخش اول اثر شامل مقدمهٔ دکتر منزوی و بخش دوم، تعلیقات مفصل ایشان بر متن است.

از همان زمان که نسخه‌ای از ویرایش دکتر منزوی به دستم رسید، مرتباً بدان مراجعه می‌کردم و از مقدمه و تعلیقات ایشان بهرهٔ فراوان بردهام. با مشاهدهٔ چاپ آقای محمد کریمی زنجانی آن را نیز تهیه کردم بدان امید که از مقدمهٔ ایشان نیز نکته‌های نوینی به دست آید. پس از مشاهدهٔ مقدمه

* این مقاله پیش‌تر در گزارش میراث، سال اول، شمارهٔ هفتم، ۱۳۸۵، صص ۴-۶ به چاپ رسیده است.

۱. پس از چاپ این کتاب به نام آقای زنجانی اصل، شادروان دکتر علی نقی منزوی به انتشارات انجمن اعتراض کرد و متعاقب آن کتاب از بازار جمع‌آوری و مجدداً به نام آقای منزوی چاپ گردید. آقای زنجانی اصل مدعی بود که استاد منزوی به او گفته بود کتاب را به نام خود چاپ کن!



ایشان متوجه شدم که نحوه استدلال و مطالب مطرح شده چقدر برایم آشناست. بلافاصله به مقدمه ویرایش دکتر منزوی متبادر شدم؛ پس از مقایسه معلوم شد که مقدمه آقای کریمی زنجانی اصل عیناً همان مقدمه دکتر منزوی بر اثر مذکور است بدون کلمه‌ای کم و زیاد.

ابتدا گمان کردم که اشتباه کرده‌ام و این چاپ همان ویرایش آقای منزوی است که اکنون به صورت کتاب منتشر شده است؛ لذا برای برطرف کردن تردید خود دوباره عبارت روی جلد کتاب را نگاه کردم و با این عبارت جالب روبرو شدم: «حَقِّقْهُ وَ قَدِّمْ لَهُ وَ عَلِّقْ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ كَرِيمِي زَنْجَانِي اَصْل»؛ عین همین عبارت در صفحه عنوان، فیبا و صفحه حقوق یا شناسنامه کتاب آمده است. حتی در صفحه عنوان لاتین نیز این عبارت آمده است:

Edited with an introduction and notes by
M.Karimi Zanjani Asl.

دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای برایم باقی نماند که نامبرده نیز مانند من به نسخه‌ای از تحقیق دکتر منزوی دسترسی داشته و شاید به گمان این که نسخه یا نسخه‌های دیگری از آن در ایران موجود نیست، با ناشر محترم قرارداد بسته و مقدمه دکتر منزوی و متن تصحیح‌شده ایشان را عیناً حروف چینی کرده و به عنوان تصحیح مجدد منتشر کرده است. ایشان نه

تنها مقدمه دکتر منزوی را بر صدر کتاب قرار داده، بلکه متن مصحح ایشان را نیز عیناً به همراه نسخه‌بدل‌هایش آورده و از تعلیقات ایشان نیز شماری را در پانویس برخی صفحات آورده است بدون این که یک واو به آن‌ها بیفزاید. به عنوان نمونه می‌توان به صفحات ۱۰۲ تا ۱۰۴ (=منزوی، صص ۲۰۰ تا ۲۰۳)؛ ۱۱۰ و ۱۱۱ (=منزوی، صص ۲۲۳ و ۲۲۴)؛ ۱۱۲ تا ۱۱۴ (منزوی صص ۲۲۸ تا ۲۳۰)؛ ۲۲۱ و ۲۲۲ (=منزوی، صص ۳۵۸ و ۳۵۹) اشاره کرد.

جالب این که آقای کریمی زنجانی اصل این شاهکار علمی خود را به اساتید عزیز و دوستان مهربان خود رضا علوی، بزرگ نادرزاد و مجید نکودوست هدیه هم کرده است!

این زنگ خطر همواره برای جامعه فرهنگی ما وجود دارد که ناشرانی که از وضع و حال برخی به اصطلاح مؤلفان و مترجمان و مصححان خبری ندارند. بدون بررسی‌های لازم، اقدام به عقد قرارداد می‌کنند؛ از طرف دیگر وقت آن رسیده که اولیای امور — چه در قوه قضائیه و چه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی — چاره‌ای برای این معضل بیندیشند و با وضع قوانینی بازدارنده جامعه علمی کشورمان را از گزند سارقان کتاب و مقاله برهانند.

■

